صبح ساحل
// چهارشنبه ۶ آبان ۱۳۹۴ // سال سی ام // شماره ۲۹۴۲ // صبح ساحل را از هر جای جهان که خواستید بخوانید // SOBHESAHEL.COM //

چهره‌ها

هرمزگان

نصب آثار هنرمندان کشور در قشم

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی منطقه آزاد قشم گفت: نمادهای هنری از آثار هنرمندان برتر مجسمه ساز کشور با هدف زیباسازی شهری و ایجاد محیط آرام، در قشم نصب می شود. علیرضا کمساری افزود: در این زمینه ۱۴ اثر از هنرمندان حجم ساز مطرح کشورمان به ارزش تقریبی ۲۰ میلیارد ریال با قابلیت استفاده در بلوارهای شهری وجود دارد.وی اضافه کرد: این آثار در سال ۹۲ و در کارگاه حجم سازی که به منظور توانمند ساختن جامعه هنری قشم برپاشد، ساخته شدند و هم اینک می توان متناسب با شرایط اقلیمی جزیره مرمت و احیا شوند.کمساری گفت: در صورت همکاری معاونت فنی و عمرانی و تهیه زیرساخت ها، این مجسمه ها تا بهمن امسال در یکی از بلوارهای شهر قشم نصب می شود.وی ادامه داد: استفاده از نقاشی های دیواری و هنرهای تجسمی به عنوان نمادهای ملی و بومی، نقش مهمی در تحول حوزه زیباسازی شهری ایفا می کند.مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی منطقه آزاد قشم با تاکید بر سود آوری اقتصاد هنری، اظهار کرد: اقتصاد وابسته به آثار هنری به سرمایه اولیه زیادی نیاز ندارد و با امکانات کم می توان آثار فاخر و ارزشمند ایجاد کرد.

جهان

بازیگر معروف فیلم کودک می سازد

جانی دپ بازیگر سرشناس آمریکایی قصد دارد با همکاری ادگار رایت یک کار کودک بسازد.کمپانی فاکس قرن بیستم در حال مذاکره برای گرفتن حقوق ساخت فیلمی بر اساس کتاب «خوشبختانه، شیر» نوشته نیل گیمن است. گفته می شود پیشنهاد فاکس قرن بیستم برای خرید حقوق این کتاب شامل ادگار رایت و جانی دپ هم می شود. قرار است رایت کارگردان این پروژه باشد و جانی دپ در دو مقام تهیه کننده و بازیگر اصلی در آن حضور داشته باشد. گفته می شود در صورت ساخت، این اثر مخلوطی از فیلم و انیمیشن خواهد بود.فاکس قرن بیستم همین طور به تازگی حقوق ساخت فیلم بر اساس کتاب «پرواز کانچوردز» نوشته برت مکنزی را هم خریده و این اثر در مرحله نگارش فیلمنامه است.«خوشبختانه، شیر» یکی از کتاب های پرفروش لیست مشهور نیویورک تایمز است و در مورد سفر در زمان و صبحانه می باشد.

ایران

به آنهایی که نگرانم هستند، بگویید خوبم

ژاله علو از هنرمندان پیشکسوت کشورمان که مدتی است در عرصه‌های هنری فعالیت ندارد، این روزها بیشتر در منزلش استراحت می کند.این چهره ماندگار که پیشتر هم با ایسنا گفت‌وگوی کوتاهی داشت و تاکید کرده بود که حالش خوب است، بار دیگر در گفت‌وگویی با ایسنا خطاب به آنهایی که نگرانش هستند و در تلویزیون و رادیو سراغش را می گیرند، گفت: از من خبری نیست اما حالم خوب است و در منزلم استراحت می کنم ولی همچنان مردم را دوست دارم و به مردمی که نگران من هستند، می گویم که حالم خوب است.او گفت: ترجیح می‌دهم این روزها بیشتر به خودم برسم؛ به همین خاطر تصمیم گرفته‌ام فعلا کار نکنم. دیگر کار بس است. فعلا استراحت می کنم.علو همچنین یادآور شد که تازه از سفر بازگشته است و خدا را شکر این روزها کسالتی ندارد.این دوبلور و گوینده پیشکسوت، اردیبهشت ماه امسال نیز با ایسنا گفت‌وگویی انجام داده و درباره‌ی ادامه فعالیتش در رادیو و بازگشت به این رسانه اظهار کرده بود: مدتی بود که در رادیو کار خاصی نبود، بنابراین ترجیح دادم استراحت کنم. وی همچنین اعلام کرده بود که حدود یک سال است که برای رادیو کار نمی‌کند اما اگر زمانش فرا برسد و کاری باشد که دوست داشته باشد حتما به رادیو برمی‌گردد.

میز خبر

دختولوک قشم به عنوان دومین عروسک ملی ثبت شد

سرپرست مدیریت ژئوپارک قشم از ثبت دختولوک قشم به عنوان دومین عروسک ملی و به همت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با شماره ثبت ۱۱۰۱ خبر داد.حمیدرضا محسن پور در گفتگو با مهر بیان داشت: دُختو لوک نمادی از هنرنمایی مادرانی است که بدون در اختیار داشتن امکانات خاص و در دنیایی به دور از اسباب بازی های صنعتی و مدرن، با ابزار کاملا ابتدایی عروس و دامادهایی از جنس فرهنگ خودشان می ساختند تا در روزهای گرم و طولانی تابستان نشاط و سرزندگی را به زندگی کودکانه دلبندشان هدیه کنند. وی ادامه داد: پروژه حفظ و احیای صنایع دستی و ارزش های فرهنگی و بومی جزیره قشم در سال ۱۳۹۰ در قشم انجام گرفت و در این راستا عروسک های دوختولوک توسط جامعه زنان روستایی تولید و درکنار دیگر محصولات فرهنگی و هنری بومی منطقه در معرض نمایش و فروش در تعاونی های محلی و روستایی قرار گرفته است.محسن پور هدف از این پروژه را حفظ فرهنگ بومی و نیز ایجاد معیشتی مکمل برای خانواده های روستایی دانست و افزود: هم اکنون ۵۰ نفر از زنان روستای برکه خلف به تولید صنایع دستی مشغول هستند که ۱۵ تن از این تعداد دُختُ لوک ساز هستند.سرپرست مدیریت ژئوپارک قشم همچنین از برگزاری کارگاه «سفری به فرهنگ‌ها با عروسک‌ها» در محل موزه عروسک های ملل خبر داد و گفت: آموزش ساخت عروسک های بومی، گفتگو و تعامل با بانوان عروسک ساز، آشنایی با پوشاک، فرهنگ و خوراکی های بومی، عرضه مستقیم عروسک های بومی و پخش فیلم از جمله بخش های این کارگاه بود.وی ادامه داد: بانوان هنرمند قشمی در کنار کارشناسان ژئوپارک در این کارگاه حضور پیدا کرده و مجموعه ای از صنایع دستی شامل لباس های محلی و انواع زیور آلات و انواع عروسک های دوختولوک را به نمایش گذاشتند.به گفته محسن پور ثبت ملی دختو لوک نشان دهنده اهمیت پاسداشت میراث ناملموس فرهنگی دارد.

رونمایی از جلد سوم کتاب سجاد خورشید

مدیر کل فرهنگ و ارشاد هرمزگان از رونمایی جلد سوم کتاب سجاد خورشید که برگرفته از ۱۷ مقاله و ۳۲ سخنرانی از علمای عراف، سوریه و ایران است، و همچنین از رونمایی از کتاب شعر کتاب کودک نوشته یکی از نویسندگان هرمزگانی خبر داد.به گزارش ایسنا،علیرضا درویش‌نژاد در نشست مطبوعاتی پنجمین کنگره بین‌المللی امام سجاد (ع) که با حضور نماینده ولی فقیه و نمایندگان رسانه‌های گروهی برگزار شد، با بیان اینکه این کنگره امروز در میناب و بندرعباس آغاز به کار می‌شود، گفت: در این پنج دوره ۶۱۴ مقاله توسط دبیرخانه دریافت و ۱۳۰ سخنرانی توسط علمای اسلامی از نقاط مختلف جهان در این دوره‌ها ایراد شده است.درویش‌نژاد اضافه کرد: در این پنج دوره بیش از ۴۵ همایش داشته‌ایم که با حضور سفیران معنوی و فرهنگی برگزار شده است.وی از رونمایی جلد سوم کتاب سجاد خورشید که برگرفته از ۱۷ مقاله و ۳۲ سخنرانی از علمای عراف، سوریه و ایران است، و همچنین از رونمایی از کتاب شعر کتاب کودک نوشته یکی از نویسندگان هرمزگانی خبر داد.

عذرخواهی بابت عرضه بی‌کیفیت یک انیمیشن

مدیرعامل موسسه «قرن ۲۱ » به دلیل عرضه بی‌کیفیت یک انیمیشن، از مردم عذرخواهی کرد. محمدمهدی جعفری در گفت‌وگویی با ایسنا، گفت: متأسفانه یک شرکت زیرزمینی اقدام به دوبله و عرضه غیرمجاز، انیمیشن‌های روز می‌کند و کارها را بدون مجوز ارشاد با بسته‌بندی به شکل کارهای مجاز در شهرستان‌ها توزیع می‌کند که این کار ضربه بزرگی را به کارهای مجاز ما زده است.وی ادامه داد: ما انتخاب اول کمپانی «سونی» برای پخش کارهایشان در ایران هستیم و طبق سیستمی که آن‌ها دارند، همزمان با پخش خاورمیانه اجازه توزیع در ایران را به ما می‌دهند که متأسفانه اقدامات غیرمجازی که انجام می‌شود به ارتباط ما با این کمپانی هم ضربه زده است.جعفری با اشاره به عرضه قسمت دوم انیمیشن «هتل ترانسیلوانیا» توسط این موسسه با کیفیت پایین اظهار کرد: متأسفانه به دلیل اینکه این کار را آماده کرده بودیم اما به دلیل اینکه مانع از عرضه غیرمجاز آن شویم، مجبور به توزیع شدیم که به همین خاطر از مردم عذرخواهی می کنم و به محض آمدن تصویر خوب این انیمیشن، آن را مجددا با کیفیت خوب توزیع خواهیم کرد و راهکاری را برای جبران خسارت خریداران در نظر می گیریم.

با لغو تحریم‌ها فیلم‌های خوبی برای دوبله خریداری می‌شود

تورج نصر - از دوبلورهای پیشکسوت تلویزیون - که بیشتر صدایش در دوبله کارتون‌ها شنیده می‌شود، درباره‌ی اینکه آیا با لغو تحریم‌ها اتفاق تازه‌ای در دوبله خواهد افتاد؟ اعلام کرد: خوشبختانه با لغو تحریم‌ها قرار است طی ماه‌های آینده اتفاقات خوبی در حوزه دوبله بیفتد و فیلم‌ها و سریال‌های جدیدی برای دوبله خریداری شود.صداپیشه «شیپورچی» در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه مدتی است در دوبله کار نکرده است، خاطرنشان کرد: حدود دو الی سه سال است که دیگر فیلم‌های جدید و با کیفیت برای دوبله نداشتیم و طی این مدت فقط از فیلم‌های انباری و قدیمی استفاده می‌کردیم، اما گویا قرار است بعد از برداشته شدن تحریم‌ها تصمیمات جدیدی گرفته شود و در حوزه خرید فیلم‌ها اتفاقات خوبی بیفتد. خوشبختانه قرار است به‌زودی فیلم‌های جدیدی به ویژه از کشور فرانسه و آلمان خریداری شود.

تولید بیش از دو فیلمِ همزمان برای یک تهیه‌کننده ممنوع شد

مدیرکل دفتر سینمای حرفه‌ای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه هر تهیه‌کننده بیش از ۲ فیلم را به طور همزمان نمی‌تواند بسازد گفت: یکی از مواردی که در صدور پروانه ساخت تاثیر دارد، گرفتن پروانه نمایش آثار قبلی کارگردان و تهیه‌کننده است. محمدرضا فرجی «مدیرکل دفتر سینمای حرفه‌ای» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ارتباط با مصوبه اخیر سازمان سینمایی در ارتباط با اینکه هر تهیه کننده در سینما بیش از دو فیلم را نمی‌تواند به صورت همزمان تهیه و تولید کند گفت:این آیین نامه مصوب داخلی وزارت داخلی فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین سازمان سینمایی است.

مادرم راضی نبود

گروه هنری:**بازیگر نقش حرمله می‌گوید گفتند حرمله نقش منفوری است و نقش اول و آخر تو می‌شود، اما خدا رو شکر اینطور نشد.**انوش معظمی بازیگر نقش حرمله در سریال «مختارنامه» بازیگری است که با وجود هیکل قوی‌اش دل بسیار مهربانی دارد و در حوزه تئاتر کودک فعالیت می کند. به بهانه ایام محرم با این بازیگر به گفتگو نشستیم که در ادامه می خوانید:

کودکی شما چگونه گذشت؟

در بروجرد به دنیا آمدم و دوران کودکی پرفراز و نشیب داشتم پدرم کارمندنیروی هوایی بود و بزرگ شده تهران هستم . اتفاق خوب آن زمان فاصله طبقاتی کمی بود که شاهد بودیم.

شروع فعالیت هنری؟

اولین مرتبه‌ای که فعالیت هنری را شروع کردم کلاس چهارم دبستان با گروه سرود مسجد محله سرودی برای نیمه شعبان آماده کردیم و دو نفر تک خوان بودیم که به واسطه اینکه دوستم بهتر می‌خواند سرپرست گروه او را انتخاب کرد و در عالم بچگی حسادت کردم و از گروه سرود بیرون آمدم و به شعر گفتن پرداختم و در پنجم ابتدایی تئاتر بازی می‌کردم.

اولین حضور شما در یک مجموعه؟

اولین مرتبه به صورت اتفاقی با آقای احمد نجفی آشنا شدم و در مستند داستانی که مربوط به ورزش باستانی بود چند سکانس بازی کردم و بعد از ۱۰ سال که در سریال «چهل سرباز» با آقای نجفی همبازی شدم منو نمی‌شناختند بعداز معرفی خودم کلی تحویلم گرفت.

قبل از «مختارنامه» چه نقشی بازی کرده بودید؟

قبل از «مختارنامه» نقش‌ها چندان پراهمیت نبودند اما در تئاتر وضعیت کاریم بهتر بود اما نقطه عطف بازی من «مختارنامه» است قبل از «مختارنامه» فیلم سینمایی و سریال «معصومیت از دست رفته»، «مسافر ری» را با آقای میرباقری داشتم.

ملاک انتخاب نقش حرمله فیزیک بدنی شما بود؟

فاکتورهای زیادی نقش داشت یکی از آن‌ها این بود که آقای میرباقری بازیگر فیزیکال می‌خواستند، اما به لحاظ فیزیک در باشگاه‌های بدنسازی از من درشت‌تر هم بودند ولی آقای میرباقری به دنبال یک بازیگر فیزیکال بود و با توجه به شناختی که به من داشتند، اعتماد کردند و به لطف خدا ما هم روسفید شدیم.

حس شما موقع پیشنهاد نقش؟

اولین مرتبه حس خوبی داشتم سر سریال« معصومیت از دست رفته» بودیم که آقای میرباقری گفتند نقش حرمله «مختارنامه» را تو باید بازی کنی، اما بعدها با مشورتی که با دوستان داشتم آن‌ها می‌گفتن نقش منفوری است و نقش اول و آخر تو می‌شود، اما خدا رو شکر اینطور نشد چرا که مردم نگاه حرفه‌ای دارند، اما همکاران خود ما در سینما باز همان پیشنهادات را به من می‌دهند، اما آقای میرباقری در «دندون‌طلا» یک نقش شیرین را به من داد.

گریم سختی داشتید؟

آقای میرباقری «حرمله» را شخصیتی خاص دیده بودند علاوه بر فیزیک، خو و خصلت حیوانی را در ظاهر او به نمایش بگذارد حدود ۶ ساعت گریم طول می‌کشید و آقای ولدبیگی گفتن یکی از سخت‌ترین گریم‌ها بوده است.

از لحاظ روحی سخت نبود؟

خیلی سخت بود از طرفی هم به همه نقش‌های پیشنهاد شده نه گفتم و فقط فعالیت من محدود به تئاتر شده بود.

از حرمله شناخت داشتید؟

بله ناشناخته نبود به دلیل اینکه بچه هیئتی بودم، بعد از قبول نقش تعزیه و مقاتل خواندم خیلی زیاد اطلاعات راجع به حرمله نمی‌توانستی پیدا کنی نقل است بعد از واقعه عاشورا لبخند به لب امام سجاد (ع) نیامده تا زمانی که خبر کشته شدن حرمله را به او می‌دهند و ایشان لبخند می‌زنند.

خانواده چه نظری داشتند نسبت به بازی در نقش حرمله؟

مادرم که مخالف بود و خواهر اما برادران کنار آمدند و مشکل نداشتند و بعد از پخش سریال مادرم مقداری کنار آمد.

از حال و هوای ایام محرم دوران کودکی برایمان بگویید؟

نوجوانی و جوانی من در هیئت گذشته است در خانه‌های نیروی هوایی بودیم که یک زمین والیبال داشتیم و به همکاری دوستانم قبل از محرم آن را آماده می‌کردیم و در حال حاضر به یک هیئت بزرگ تبدیل شده است بهترین و زیباترین خاطرات را از آن دوران دارم.

نقش «شمر» در فیلم «رستاخیز» چگونه بود؟

مدیوم سینما و تلویزیون متفاوت است و آقای درویش هم فیلم‌ساز فوق‌العاده بزرگی است به نظرم فیلم «رستاخیز» فیلم خوبی است آنچه ما در این دو سال در رستاخیز دیدیم ارادت به کربلا و امام حسین (ع) بود، همچنین برای ما این اتفاق غیرقابل پیش‌بینی بود، به زودی خود کسانی که با فیلم مشکل داشتند متوجه اشتباه خود خواهند شد.

جدا از اینکه شما بازیگر «رستاخیز» هستید نظر شما درباره اکران این فیلم چیست؟

شاید پیش از ۲۰ مرتبه فیلم را دیدم اما چیزی جز ارادت به امام حسین (ع) نبود و با کسانی که فیلم را دیدم نه سروصدایی و نه مخالفتی از آن‌ها شاهد نبودم و با قلب شکسته می‌گویم که کسانی که با این فیلم مشکل دارند اصلا فیلم «رستاخیز» را ندیدند.

حرف پایانی شما؟دعا می‌کنم همه ما به معرفت عاشورا و کربلا برسیم و در سطح حرکت نکنیم و به معرفت امام حسین (ع) دست پیدا کنیم.

کاش «داش آکل» را من گریم می کردم

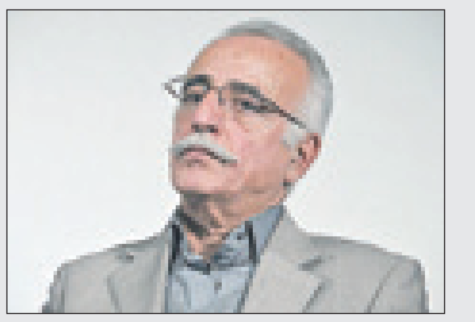

گروه هنری:

عبدالله اسکندری گفت: بچه جنوب شهرم، پای منبر بزرگ شدم و برای چنین کارهایی داوطلبم. از حسرت‌هایم این است که همواره با خود می‌گویم ای کاش «داش آکل» را من گریم می‌کردم.

عبدالله اسکندری کسی که نوشتن درباره اش سخت است، حرف زدن سخت تر. عَبِد سینمای ایران را همه دوست دارند هر سینماگری که با او کار کرده از خلق نیکوی او سخن گفته تمجید از استادی وی در کارش که دیگر جای خود را دارد. می گوید بچه جنوب شهر هستم پا منبری‌ام و پای منبر بزرگ شده‌ام. با این همه سابقه و موفقیت آرزوهایی هم دارد که به آن ها نرسیده مثلاً «داش آکل» را دوست داشت گریم می‌کرد، که نشد.

روبروی آیینه که می‌ایستد شاعر می‌شود؛ به سینما که نگاه کنیم جا پای غزل‌ها و قصیده هایش را خوب می بینیم. مگر می‌شود که «هزار دستان» را ببینی و تصویر و چهره‌های شخصیت‌ها در ذهنت مجسم نشود؟! مگر می‌شود «کمال‌الملک» را ببینی و پیش از کارگردانی و بازی‌های ناب از جادوی اسکندری حظ نبری؟! این که «روز واقعه»، «امام علی (ع)» و «مختار نامه» بدون حضور هنرنمایی عَبِد سینمای ایران چیزی کم داشت پر بی‌راه نیست؛ خودش می‌گوید در این آثار با عشق قلم را به دست گرفته است. حضور پر رنگ و تاثیرگذار وی در آثار تاریخی و مذهبی ما را بر آن داشت تا در این ایام به سراغش برویم که حاصل آن را در پی می‌خوانید.

بهتر است از زمانی که وارد کار شده‌اید بگویید همان طور که بارها گفته اید کارتان را با بیژن محتشم آغاز کرده اید.

بله همانطور که همه جا گفته ام در سال ۵۰ کارم را با آقای محتشم شروع کردم او بنده و دوازده نفر دیگر را در تلویزیون استخدام کرد آنجا در همان زمان مشغول به کار شدیم شش ماه دوره دیدیم.محتشم در آن زمان به این عرصه علاقه‌مند بود که استخدام تلویزیون می‌شود قرار بود ابتدا بازیگر شود که در نهایت گریمور شد بعد به آمریکا رفت و دوره‌ای نزد یکی از اساتید بزرگ گریم دید جان چمبرز پیش وی دوره دید حدود شش ماه بعد به ایران آمد و اطلاعاتی را که در این مدت آموخته بود به ما منتقل کردند.

هیچ وقت فکر نمی‌کردم گریمور شوم

من جزو بچه‌های جنوب شهر خانی‌آباد بودم در حال حاضر دیگر جنوب و شمال در تهران معنی ندارد. چون به تئاتر علاقه داشتم با یکی از معلمان‌مان ادبیاتم این موضوع را در میان گذاشتم و از آن به بعد گاهی در مدرسه نیز نمایش هایی را اجرا می‌کردم. در نمایش‌ها نیاز داشتیم که افراد گریم شوند از آنجایی که من نقاشی‌ام خوب بود وظیفه گریم را من بر عهده گرفتم. مثلاً اگر نیاز بود صورت یکی از بازیگران را سیاه کنیم پنبه‌ای را آتش می‌زدم و این کار را انجام می‌دادم. زمینه کار گریم از آنجا برایم شروع شد و هیچ وقت فکر نمی‌کردم گریمور شوم.

روزگاری برای پیش خدمتی خود را آماده کردم

شرایط خانوادگی‌مان به نوعی بود که باید حتماً سر کار می‌رفتم تا درآمدی داشته باشم. پدرم یازده فرزند داشت من هم به تازگی دیپلم گرفته بودم و آزرده بودم و دائم فکر می‌کردم که چگونه می‌توانم به پدرم کمک کنم در به در دنبال کار می‌گشتم و کار پیدا نمی‌کردم تا جایی که حتی برای پیشخدمتی به ارگان دولتی رفته بودم تا استخدام شوم که در نهایت مرا سین جیم کردند که تو برای چه آمده‌ای تا اینجا استخدام شوی. من تنها به این فکر می کردم که در حال حاضر منبع درآمدی داشته باشم و بعداً فکر دیگری خواهم کرد.برای این که می‌گفتند با دیپلم ریاضی برای چه به نخست وزیری آمده‌ای و می خواهی پیش خدمت بشوی؟! تعجب کرده بودند. من هم گفتم بیایید خانه ما را تماشا کنید پدرم کارمند راه آهن است و یازده تا نان خور دارد من هم در شرایطی هستم که باید به آن ها کمک کنم و از آنجایی که فرزند اول پدرم بودم بیش از همه احساس وظیفه می کردم.

برای کشیدن نقاشی از پدرم کتک هم خوردم

البته در آن زمان دیپلم ریاضی داشتن یک اتفاق مهم محسوب می‌شد و باید کارهای بهتری برای شما بوده باشد!

درست است اما واقعاً هر جا که رفتم نیاز به پارتی بود و افراد دیگری در اولویت بودند. در این زمان تلویزیون اطلاعیه در روزنامه منتشر کردند که به تعدادی گریمور نیازمندیم من هم به آنجا مراجعه کردم امتحان‌های مختلفی از ما گرفتند تعداد شرکت کنندگان نزدیک به دو هزار نفر بود.

مرحله اول ضریب هوشی افراد را تست می‌کردند. بیژن محتشم و چند نفر دیگر نشسته بودند امتحان های مختلفی از ما می‌گرفتند. در نهایت دوازده نفر را پذیرفتند که من هم یکی از آن ها بودم. البته یکی از مواردی که در آن امتحان ها کمکم کرد نقاشی بود که در دوران نوجوانی می کشیدم و چند بار هم مرحوم پدرم مرا برای این کار کتک زد اما ثمره‌اش را در آن امتحان ها دیدم. عکس های کوچکی را به دیوار می‌چسباندم و در ورقی آن‌ها را می‌کشیدم. پدرم هم پس گردنی می‌زد و می‌گفت: «پسر این چه کاریه؟ برو درست را بخوان.»

بیژن محتشم در تحول گریم تاثیر گذار بوده است

در نتیجه با توجه به صحبت‌های خودتان می‌توانیم نقش قابل توجهی برای استاد بیژن محتشم در مسیر کاری‌تان قائل شویم؟!

صد در صد. او به طور کلی تاثیر مهمی در تحول گریم ایران دارد. تا قبل از وی گریم الکن و ابتدایی بود و محتشم به دلیل سفر به آمریکا و آموزش هایی که دیده بود با پدیده مهمی به نام گریم و چهره‌پردازی آشنا شده بود. البته برای پیشرفت در کارهای هنری دوره‌های مختلف تاثیر ندارد بلکه جوهره آن باید در درون روح و ذات آدمی باشد. مثلاً شما باید صدای خوبی داشته باشید تا بتوانید خوب هم بخوانید. در کار ما هم باید زمینه طراحی، نقاشی و یا مجسمه سازی وجود داشته باشد.

از بین دوازده نفر فرد دیگری نام آشنا شده است؟

بله جلال الدین معیریان، زنده یاد معیری، مهری شیرازی برخی دیگر هم در شاخه‌های دیگر سینما مشغول به کار شدند.در واقع بنده کارمند تلویزیون هستم و خودم را فرزند تلویزیون می‌دانم و تلویزیون خانه دوم من است.

یکی از حسرت‌هایم این است، ای کاش «داش آکل» را من گریم می‌کردم

اولین کارتان را با گوزن‌ها در سینما آغاز کردید کمی از کار با مسعود کیمیایی بگویید به هر حال در آن زمان شما جایگاه امروز را نداشتید و شناخته شده نبودید کار با بازیگران و کارگردان به نام سینمای ایران برای‌تان استرس به همراه نداشت؟

اگر منظورتان استرس از کار کردن در مقابل افراد به نام است که آن چیزی که مرسوم است نداشتم.

به نظرم کاری که انجام می‌شود اگر با اعتماد به نفس و اطمینان انجام شود استرس نخواهد داشت. من هم این گونه بودم اما بسیار خوشحال بودم که کارم را با افراد بزرگ و به نام در سینما شروع کرده بودم. در آن زمان مخاطبین سینما کارگردان‌ها را نمی‌شناختند و اکثراً فیلم‌ها را با نام بازیگران آن می‌شناختند. اما در آن شرایط مسعود کیمیایی را می‌شناختند. در واقع خیلی خوشحال بودم با کارگردانی در سینما کار کردم که گریم را می‌شناسد. یکی از حسرت هایی که همیشه در زندگی می‌خورم این است که ای کاش گریم «داش آکل» را من انجام می‌دادم. بازیگران فیلم سینمایی «گوزن‌ها» هم با من بسیار همکاری کردند زمانی که متوجه شدند گریم را می‌شناسم به من اعتماد کردند. سعی کردم با افرادی در سینما کار کنم که فیلم برای‌شان مهم بود.

پای محسن رضایی به سینما باز شد

گروه هنری:

حامد شیخی بازیگر «ایستاده در غبار» برای دومین بار در نقش محسن رضایی ظاهر شده است.حامد شیخی بازیگر سینما و تلویزیون در خصوص نقش خود در فیلم سینمایی «ایستاده در غبار» در گفتگو با باشگاه خبرنگاران جوان؛ گفت: در پروژه سینمایی «ایستاده در غبار» برای دومین بار نقش محسن رضایی را ایفا می‌کنم. اولین حضور در این نقش به سریال تلویزیونی «آسمان من» بر می‌گردد.وی افزود: در مجموعه «آسمان من» به شخصیت آقای رضایی در ارتباط با شکل‌گیری گارد امنیتی پرواز پرداخته شده است. با توجه به هواپیماربایی‌هایی که شکل گرفت، امام خمینی (ره) به آقای رضایی مسئولیت گارد امنیت پرواز را سپردند که در این سریال اتفاقات گارد امنیت پرواز را در دوره حاضر مشاهده می‌کنیم. یعنی در اوایل مجموعه شکل‌گیری و راه‌اندازی گارد امنیت و در ادامه در زمان حال وقایع مرور می‌شوند.بازیگر «بادیگارد» اظهار داشت: من برای حضور در این فیلم سینمایی ۷ مهر امسال قرارداد خود را منعقد کردم. وی بیان کرد: موضوع و داستان اصلی فیلم «ایستاده در غبار» مربوط به جنگ ایران و عراق و شخصیت احمد متوسلیان است که به دستور محسن رضایی به لبنان اعزام می‌شود. احمد متوسلیان فرمانده سپاه مریوان بوده است. به همین سبب قسمتی از کار در مریوان فیلمبرداری شده و مابقی کار که مربوط به عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس هستند، در شهرک سینمایی دفاع مقدس فیلمبرداری شده است.شیخی تصریح کرد: شکل تصویربرداری «ایستاده در غبار» به صورت نگاتیو و با دوربین سوپر ۱۶ انجام می‌شود. به همین دلیل با این روش کار، بسیار خوب می‌توان لحظات جنگ را تداعی کرد. در این فیلم از تصاویر بازسازی شده و مصاحبه‌های افرادی که بسیاری از آن‌ها در قید حیاتند به صورت نریشن استفاده می‌شود.

بازیگر سریال «آسمان من» عنوان کرد: تجربه حضور در چنین پروژه‌ای و ایفای نقش شخصی که جزو مقامات کشوری است، بسیار خوب بوده و از طرفی موقعیت خطیر و حساسی است. با توجه به همین مقایسه‌ای که بین چهره، حرکات، نحوه ایفای نقش و شخصیت اصلی به وجود می‌آید کار سخت می‌شود اما همین سختی را هم خیلی دوست دارم.وی ادامه داد: برای نزدیکی و قابل باور بودن این شخصیت از نزدیکان آقای رضایی درمورد خصوصیاتشان تحقیقاتی کرده و از خاطرات او پرس‌وجو کرده‌ام. قرار بود زودتر از این زمانی که آقای محسن رضایی را ملاقات کردم، به دیدن او بروم اما با شهادت سردار همدانی این قرار ملاقات به تعویق افتاد.وی افزود: هنگام دیدار آقای رضایی از رویارویی‌های وی با متوسلیان در برهه‌های مختلف، که در فیلم نیز دیده می‌شود صحبت کردیم. من بیشتر سعی کردم که جویای حس و حال درونی محسن رضایی در موقعیت‌های مختلف شوم. چرا که معتقدم دانستن این حس و حال به اجرای آن‌ها و نشان دادن آن کمک فراوانی می‌کند.بازیگر سریال «سال های مشروطه» عنوان کرد: از احساسات آقای رضایی در لحظات جنگ و روحیات او و نسبت به اتفاقات روی داده سؤالات زیادی کردم. وی نیز سعی می‌کرد که ضمن تعریف اتفاقات، از احساس خود نیز صحبت کند. وی ادامه داد: من در دیدار با آقای رضایی عکس گریم خود را برایشان بردم و او هم با دیدن این عکس رضایت را در کلام خود جاری کرده و اظهار داشت که کار خوبی از آب در آمده است.شیخی گفت: قبل از اینکه با آقای رضایی ملاقات کنم از طریق عکس‌ها و فیلم‌ها در دوره‌های مختلف جنگ با او آشنا بودم. اما دیدار از نزدیک و دیدن محسن رضایی امروز و مقایسه او با سال‌های جنگ، به پیدا کردن حرکات و درک احساسات کمک‌های شایانی کرد.حامد شیخی گفت: چهره‌پردازی این فیلم بر عهده شهرام خلج و مجری آن سجاد آذرنیا است. بنابراین با توجه به کار تخصصی و باورپذیری این نقش بیشتر شده است.وی در پایان بیان کرد: فکر می‌کنم «ایستاده در غبار» با توجه به تجربه کارگردان صاحب مقام در جشنواره شود. دلیل حضور دوباره من در این فیلم و ایفای نقش آقای محسن رضایی به دلیل تفاوت‌های موجود در دو کار بوده است. «آسمان من» و «ایستاده در غبار» از دو منظر و مقاطع زمانی متفاوت به این شخصیت پرداخته‌اند. گفتنی است؛ حامد شیخی تجربه بازی در مجموعه‌های تلویزیونی چون: «سال‌های مشروطه»، «تبریز در مه»، «معمای شاه»، «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» و فیلم سینمایی «بادیگارد» را در کارنامه کاری خود دارد.

گزارش خبری

بازیگری که از مجلس امام حسین (ع) شفا گرفت

گروه هنری:

محرم سال گذشته، نذری کردم و به مدد نگاه امام حسین (ع) هم‌اکنون، خوب هستم.

حسین محب اهری، بازیگر با سابقه سینما و تلویزیون، در گفتگو با باشگاه خبرنگاران جوان؛ در مورد بیماری خود گفت: چشم شیطان کور، گوش شیطان کر، خوب هستم. من محرم سال گذشته، نذری کردم و به مدد نگاه امام حسین (ع) این روزها حال خوبی دارم.بازیگر فیلم «رابطه» که دل پری از حمایت نکردن از هنرمندان داشت، گفت: به وزارت فرهنگ و ارشاد اعلام می‌کنم در هشت ماه گذشته، یک آمپول یا قرصی استفاده نکردم و نیازی به حمایت آن‌ها ندارم. من از امروز از لحاظ جسمی سالم هستم. صندوق حمایت از هنرمندان، در دو سال گذشته به هیچ وجه از من حمایت نکرده است.او در ادامه صحبت‌های خود با رنجش خاطر نسبت به رسیدگی به وضعیت هنرمندان، خاطرنشان کرد: من از دوستان بیماری داشتم که تا وقتی زنده بودند از آن‌ها حمایت نشد و متأسفانه فوت کردند و بعد از فوت آن‌ها، سازمان‌های مربوط به حمایت از هنرمندان، بیان کردند ما از پیشکسوتان هنرمند پشتیبانی می کنیم، در حالی که این صحبت‌ها به هیچ وجه صحیح نیست.

حسین محب اهری در مورد بیمه هنرمندان نیز گفت: از سال هشتاد و هشت به بعد، بیمه تکمیلی هنرمندان قطع شد و صندوق حمایت از هنرمندان، بر خلاف اسم بلند خود به هیچ وجه از ما حمایت نمی‌کند. چرا بیمه تکمیلی هنرمندان قطع شده است؟ چرا بیمه امید قطع شده است؟ این مسائل باید روشن شود. صندوق حمایت از هنرمندان از وزارت فرهنگ و ارشاد، بودجه می‌گیرد اما سرانجام این پول معلوم نیست. به نظر من باید سازمان بازرسی کل کشور به این قضیه رسیدگی کند و از این صندوق حسابرسی بشود.بازیگر فیلم «جیب برها به بهشت نمی‌روند» در ادامه گفت: من در سال هشتاد، که اولین بار بیمار شدم، یک خودرو رنو داشتم که فروختم و مخارج بیماری خود را با این پول دادم. در سال هشتاد و هشت که برای بار دوم این بیماری به سراغم آمد، بیمه ایران و بیمه تکمیلی به کمک آمد و توانستم مخارج سنگین این بیماری را تقبل کنم. این بار اگر بیماری به سراغم آید نمی‌دانم که دیگر با این وضعیت چه باید کنم و احتمالاً این بار باید جان به جان آفرین تسلیم کنم.

نمی خواهم راکد بمانم

گروه هنری:

داریوش اسدزاده بازیگر پیشکسوت سینما، تلویزیون و تئاتر کشور در رابطه با جدیدترین با تاکید بر اینکه نمی خواهد در عرصه فرهنگی و هنری راکد بماند فعالیت هایش اظهار داشت: این روزها علیرغم میلم به دلیل شرایط جسمانی توانایی حضور در صحنه تئاتر را ندارم و تنها در برخی از فیلم های سینمایی حرفه ای و ارزشمند حضور پیدا می کنم.

بازیگر فیلم سینمایی «یتیم خانه ایران» در گفتگو با سینماپرس افزود: اینک در سن ۹۳ سالگی، دیگر فرصتی برای حضور من در تئاتر فراهم نیست؛ این در حالی است که من ۴۰ سال با میل و اشتیاق نزدیک به ۲۰۰ نمایش را بازی کردم و ۱۵ نمایشنامه را کارگردانی کردم و معتقدم که اگر فعالیتی در تئاتر نداشتم نمی توانستم در سینما و تلویزیون ماندگار شوم؛ تئاتر مادر هنرهای نمایشی است و می تواند بازیگر را تا سال ها بپروراند و او را آبدیده کند.

اسدزاده سپس ضمن انتقاد از وضعیت فعلی تئاتر کشور گفت: بسیار متأسفم وقتی می بینم که سالن ها و تئاترهای بسیار مهم در کشور ما از بین رفته اند؛ زمانی نه چندان دور قدیمی ترین سالن‌های نمایش شهر تهران در خیابان لاله‌زار بودند که رونق خاصی داشتند و هنرمندان بزرگی از تئاترهای «نصر»، «پارس»، «باربد»، «دهقان» و... برخاستند که تا سال ها باعث افتخار هنر این مرز و بوم بودند اما اکنون تمامی آن ها از بین رفته است. استاد ادبیات و تئاتر دانشگاه تهران در همین رابطه خاطرنشان کرد: البته هرچند که شرایط جسمی و سنی باعث شده تا حضور فیزیکی در تئاتر نداشته باشم اما این روزها در حال نگارش دو نمایشنامه هستم و پیش از این هم چندین کتاب در مورد تئاتر نوشته ام. وی در بخش دیگری از این گفتگو از حضور در جدیدترین فیلم سینمایی مانی حقیقی خبر داد و اظهار داشت: این روزها مشغول بازی در فیلم کمدی «پنجاه کیلو آلبالو» هستم.

بازیگر فیلم سینمایی «قلاده های طلا» ادامه داد: من شخصاً بازیگری هستم که تا یک داستان را دوست نداشته باشم محال است در اثری حضور پیدا کنم؛ جدا از تمامی این ها حضور عوامل برایم بسیار مهم است و خوشبختانه در فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» تمامی این موارد وجود دارد؛ من طی تمامی دوران بازیگری ام تیپ های مختلفی را ارائه کرده و همیشه از تکراری شدن حذر کرده ام و خوشبختانه شخصیتی که در این فیلم دارم به هیچ عنوان شباهتی با سایر نقش هایم ندارد و از این رو تجربه جدیدی برای بازیگری من رقم خورده است. کارگردان تئاتر «میشل استروگف ومسیو ژوزف» همچنین از ساخته شدن فیلم مستندی با محوریت زندگی خودش خبر داد و گفت: به تازگی بازی در فیلم مستندی به کارگردانی ابراهیم شفیعی را به پایان رسانده ام که در مورد زندگی من است؛ این فیلم که در ابتدا قرار بود ۹۰ دقیقه ای باشد برای داشتن ریتم بهتر به ۷۵ دقیقه تقلیل پیدا کرده و من در آن از زندگی خودم، خاطرات تهران قدیم و... گفته ام. وی ادامه داد: علاوه بر این بررخی از هنرمندان مانند اکبر عبدی، محمد کاسبی، امین اله رشیدی، حسن پورشیرازی، نادر سلیمانی، فریده سپاه منصور، ابوالقاسم طالبی، رامبد جوان، علی رام نورایی، کامران تفتی، علی اوسیوند، علیرضا خمسه نیز درباره من در این مستند صحبت کرده اند؛ احتمالاً اولین رونمایی این فیلم در جشنواره فیلم سینماحقیقت خواهد بود و امیدوارم که مخاطبان از آن استقبال کنند. دارنده مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در همین رابطه تأکید کرد: این مستند باعث شد به این فکر بیافتم که خاطرات خودم را از شهر تهران را در قالب کتابی با عنوان «تهران قدیم» بنویسم؛ البته پیش از من زنده یاد مرتضی احمدی این کار را انجام داده بود اما متأسفانه اجل مهلت نداد تا تألیفات وی کامل شود و اینک من می خواهم که هرآنچه که تاکنون مرتضی احمدی به آن ها اشاره نکرده را در این کتاب بیاورم.

بازیگر سریال تلویزیونی «همه بچه های من» در خاتمه این گفتگو افزود: در هر صورت من نمی خواهم راکد باشم و همیشه سعی دارم که حرف جدیدی داشته باشم تا بتوانم مردم را که مشوقان اصلی ما بوده اند راضی کنم چرا که ما به عشق مردم و مخاطبان کار می کنیم و رضایت آن ها برایمان بسیار مهم است.

نمی‌خواهم در این ماراتن بیهوده شرکت کنم

گروه هنری:

رحیم نوروزی با اشاره به ایفای نقش ریچارد سوم در نمایشی از مسعود دلخواه عنوان کرد به جای شرکت در ماراتن تئاتر و کارگردانی نمایش ترجیح می دهد به هنرجویان علاقه‌مند با بازیگری آموزش دهد.رحیم نوروزی کارگردان و بازیگر تئاتر و تلویزیون درباره فعالیت های اخیرش در حوزه تئاتر به مهر گفت: در حال حاضر مشغول تدریس بازیگری به هنرجویان تئاتر هستم و همچنین قرار است در نمایش «نفرین‌های تیزپا» به کارگردانی مسعود دلخواه که براساس نمایشنامه «ریچارد سوم» شکسپیر و با نگاهی مدرن نوشته شده بازی کنم. در این نمایش که هنوز تمرین‌های آن آغاز نشده نقش «ریچارد سوم» را ایفا می کنم. این نمایش احتمالا دو اجرا در جشنواره تئاتر فجر داشته و اوایل سال جدید نیز به صحنه خواهد رفت.وی درباره تدریس بازیگری بیان کرد: مدتی است که دریافت ها و تجربیاتم را در اختیار هنرجویان بازیگری قرار می دهم. دو سه کلاس آموزشی دارم که در آنها «ارتباط بازیگر با متن»، «مبانی بازیگری»، «اعمال جسمانی» و... را آموزش می دهم. تلاشم این است که در این کلاس ها موانعی را که جلو روی یک بازیگر برای ارایه درست یک بازی وجود دارد، بررسی کنم و همراه با هنرجویان در فضایی کارگاهی این مساله را که چرا در برخی مواقع بازی درستی اتفاق نمی افتد، مورد کنکاش قرار دهیم.وی درباره تجربه کارگردانی اش در تئاتر گفت: در حال حاضر ترجیح می دهم خودم را با آموزش سرگرم کنم. سال ها قبل نمایش های موفقی را به صحنه برده ام و عطش دیده شدن ندارم. در واقع ماراتنی که الان در تئاتر ما به وجود آمده و هنرمندان ما تلاش می کنند به هر ترتیبی که شده عقب نیفتند و اثری را به صحنه ببرند، نمی پسندم و دوست ندارم در این ماراتن شرکت کنم. در حال حاضر مشخص نیست که ما چه دوره ای را در تئاتر می گذرانیم و اصلا نسبت مردم با تئاتر چگونه است. مردم آنقدر درگیر معیشت‌شان هستند که تئاتر جایی در زندگی شان ندارد.بازیگر سریال «پس از باران» یادآور شد: قصد مخالف خوانی و اعتراض به کمبود بودجه و سالن و ... ندارم اما باید دید ما در کارهایمان به چه پرسش و نیازی از مردم جواب می دهیم. ما هنوز ضرورت اجرای یک متن را نمی دانیم اما به هر ترتیبی شده می خواهیم اثری را به صحنه ببریم. از اینها گذشته برای اجرای یک نمایش، کارگردان باید همه مسایل از جمله تعهدات مالی، هزینه سالن و ... را متقبل شود که همین امر انرژی بسیار را از او می گیرد به همین جهت فعلا تصمیم گرفتم به جای کارگردانی انرژی ام را روی کار با هنرجویان علاقه مند به تئاتر بگذارم.وی در پایان درباره دیگر فعالیت هایش گفت: در حال حاضر سریال تلویزیونی «نفس گرم» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور را آماده پخش دارم و البته تصویربرداری سریال «معمای شاه» نیز همچنان ادامه دارد و بازی من در این مجموعه هنوز به پایان نرسیده است.

حتی مادرم هم مرا نشناخت!

گروه هنری:**هادی حجازی‌فر که در فیلم «ایستاده در غبار» نقش احمد متوسلیان را بازی می‌کند، این تجربه را بسیار لذت بخش دانست و با اشاره به گریم سنگینی که برای این فیلم دارد، گفت: حتی مادرم هم عکس مرا نشناخت!**این هنرمند تئاتر که علاوه بر تجربه بازیگری و کارگردانی آثار نمایشی در چند فیلم سینمایی هم به ایفای نقش پرداخته است، همزمان با فیلمبرداری فیلم «ایستاده در غبار» به کارگردانی محمد حسین مهدویان در گفتگویی با ایسنا، درباره تجربه‌اش برای بازی در این نقش و چالش‌ها و لذت‌های آن گفت.حجازی‌فر که در سال‌های گذشته بیشتر به عنوان کارگردان تئاتر چند نمایش عروسکی را به صحنه برده است، درباره بازی خود در فیلم «ایستاده در غبار» گفت: در دوره دانشجویی در فیلم «مزرعه پدری» زنده‌یاد رسول ملاقلی پور نقش شهید زریباف را بازی کردم. اما پس از آن تصمیم گرفتم دیگر در سینما بازی نکنم و در مقابل وسوسه‌هایم، برای فیلم بازی کردن مقاومت کنم چون می‌خواستم بر حرفه اصلی‌ام یعنی کارگردانی تئاتر متمرکز شوم.او اضافه کرد: فیلم قبلی آقای مهدویان «آخرین روزهای زمستان» را بسیار دوست داشتم. چندی پیش به طور اتفاقی دوباره این فیلم را می‌دیدم که حدود یک ماه بعد، از طرف پروژه جدید ایشان با من تماس گرفتند و گفتند می‌خواهند نقش اول فیلم را به من بدهند که خنده‌ام گرفت.حجازی‌فر افزود: این پیشنهاد برایم خیلی غیر منتظره بود چون فکر می کردم هیچ شباهتی با آقای متوسلیان ندارم و خیلی تردید داشتم. اما گفتند به دلیل نگاه‌ها و ژست‌هایم مرا برای این نقش انتخاب کرده‌اند. هرچند با تردید آمدم اما وقتی قرار شد نقش را بازی کنم، سعی کردم با تمام وجودم حضور داشته باشم و خوشبختانه جواب داد.حجازی‌فر که برای بازی در این نقش ترس زیادی داشته است، ادامه داد: نگران بودم که خیلی شبیه او نباشم. وی با اشاره به محبوبیت احمد متوسلیان در نزد مردم افزود: احمد متوسلیان در مریوان و پاوه بسیار محبوب است. وقتی به مریوان رفتیم، اتفاقات بسیار عجیبی رخ داد. همه او را می‌شناختند و خیلی دوستش داشتند به طوری که در بسیاری از خانه‌ها عکسش وجود دارد. جالب اینجاست که مردم پشت صحنه هم انتظار دارند من رفتار او را داشته باشم اما همین که گریم‌ام را پاک می‌کنم، دیگر کاری به کارم ندارند و برایشان غریبه می‌شوم.حجازی فر با ارائه توضیحاتی درباره ویژگی‌های این نقش افزود: ما در این فیلم کلام نداریم. بلکه صدای خود احمد متوسلیان روی تصویر من قرار می‌گیرد به همین دلیل نوعی بازیگری صامت دارم، چون فقط لب می‌زنم و هیچ فکر نمی‌کردم این شیوه بازی این اندازه دشوار باشد. کارگردان نمایش «ملاقات بانوی سالخورده» خاطرنشان کرد: حتی به لحاظ بدنی هم تجربه دشواری است چون احمد متوسلیان به شدت در جنگل یا در کوه‌ها حضور داشته و همه فیلمبرداری ما در کردستان در کوه‌ها بود، چون تلاش شده فیلم نوعی مستند سازی دقیق از زندگی او باشد و همه اینها چالش بسیار عجیبی برای من به همراه داشت که بسیار لذت بخش است.